

سرباز وطن، امین امام

آیت‌الله بالهام از الگوهای تاریخی از جمله امیرکبیر و آتشم دوختن به افق‌های دوردست در راهی بزرگ قدم گذاشت و سرانجام توانست کشتی جنگ را به ساحل طعنامه ۹۸ رهنمون بشود و از فشارهای توان‌سوز نظام بین‌الملل و رژیم جنایت‌پیشه صدام و بعثیان عراق به میزان قابل توجهی بکاهد.

امواج توفنده و سرگردان، فشارها که بعد از جنگ تغییرات زیادی را در منطقه موجب شد، نشان از ظرفیت و توانگری داشت که جنگی جمهوری اسلامی ایران را نشان‌دهنده گرفته بودند. مهم‌ترین ویران‌کننده‌ترین امواج که در محاسبات عادی به حساب نیامده و بدان اعتنا نبوده است، شکل‌گیری افکار عمومی جهانی در مشروعیت بخشی به جنایت‌های ضد بشری صدام و حمایتش علیه کشورمان بود؛ موضوعی که می‌توانست در مراحل بعدی موجودیت نظام نوپای جمهوری اسلامی را با مخاطرات جدی روبه‌رو کند.

در سایه روند افکار عمومی سازی بنگاه‌های بزرگ خبری، بمباران‌های شیمیایی شهرها و روستاها و موشکباران مناطق مسکونی، جزئی از اقدامات رژیم جرم‌محور عراق قرار گرفته و حجابان غربی و عربی صدام، اکتادور بغداد بدون هیچ لاپوشانی و بی‌هیچ واهمه‌ای را در اختیار قرار دادن سلاح‌هایی که به کارگیری آنها جرم و جنایت ضد بشری محسوب می‌شوند و حتی کمک در به کارگیری آنها در این جنایت‌ها سوسیم شدند. آیت‌الله هاشمی رفسنجانی با ملاحظه این تهدیدها و مخاطرات بیشتر جنگ را با شرایط مطلوبی به پایان خود نزدیک کرد و از این جهت نامی نیک از خود در تاریخ کشورمان به یادگار داد. غلامرضا ظریفیان استاد دانشگاه و از خوانندگان دفاع مقدس در گفت‌وگو با «ایران» به تبیین بخش‌هایی از این نقش، آفرینی‌ها، دوران، اشاره نموده است.

■ آقای آقاي هاشمي نقش حلقه واسط بين جنگ و امام هم برعهده داشت تاخير جنگ آن گونه كه بود به امام منتقل شود و در مواقع ضروري تصميمات اصولي گرفته شود؛ امام هم با فرماندهان درون جبهه ارتباط داشت و هم با مردم و هم با سراسري كه نقش كليدي در جنگ داشتند، ارتباط خوبي داشت. امام و زن هر كدام از اينها متفاوت بود. آقای هاشمي تقريبا نقش فرماندهي غيررسمي اش را سال ۶۲ شروع كرد، اما واقعيت اين است كه تا سال ۶۷ كه جنگ به پايان رسيد، ما مي بينيم كه چه اعتماد داشتند به آقای هاشمي در مديريت جنگ؛ بيشتر نوشته بامبي كه امام آن مديريت نا نوشته را به مديريت نوشته شده تبديل كرد و به آن كاملا رسميت

“

اساساً آن گونه که در دانش جنگ به آن اشاره شده است، جنگ زمانی شروع می شود که سیاست پایان، می پذیرد. اساساً بنیاد زندگی برپایه سیاست است، سیاست به معنای درستش تدبیر نظام عالم است. جنگ یک امر ناخواسته است. جنگ یک امر استثنائی است در زندگی بشر و وقتی سیاست به پایان می رسد، جنگ شروع می شود. البته جنگ ها طبیعتاً پایان و عدم پایان شان متناوب با برخی محققیات است و اما واقعیت آن است که آقای هاشمی آن نقش اساسی را که در واقعیت برعهده داشت اگرچه ناخواسته بود چون ما جنگ را شروع نکرده بودیم اما واقعیت این بود که ادامه جنگ به مفهوم پایان زندگی بود. آقای هاشمی به درستی از زمانی که در سال ۶۲ و ۶۳ در فرماندهی جنگ شد، به طور اصولی دنبال این بود که جنگ را چگونه می توان پایان داد و این خیلی مسأله مهمی بود. این امری بود که باید در همان نگاه استراتژیک جنگ برای آن تصمیم گرفته می شد.

استراتژی آقای هاشمی در ارتباط با پایان جنگ چه بود؟

تین

3.

آیت‌الله‌هاشمی رفسنجانی در لباس سربازی در کنار جمعی از فرماندهان و رزمندگان

و مرزی قبل از جنگ، به نظر مهم‌ترین دستاورد آقای هاشمی این بود که در زمان زمانی که در وارد فرماندهی جنگ شد، تمام تلاش او در جهت تحقق آن بود صورت داد و این امر نبود که به یکباره در سال ۶۷ رخ دهد. اتفاقاً امام هم با همین نگاه موافقت داشت. پس حتی به طور طبیعی در هنگام جنگ نقش شعرا و انگیزه دادن‌ها جزئی از ذات جنگ است. اما واقعیت این است که جنگ باید نهایتاً به یک شکلی رخت بر بندد و پایان یابد. آقای هاشمی این نگاهش را از سال ۶۲ وارد جنگ کرد و بعد هم فرماندهان جنگ عمدتاً اقدامات‌شان را مکتبی بر همین نگاه سامان دادند. حرف آقای هاشمی این بود که هر یک جنگ موفق‌ی را انجام دهد تا ما یعنی مجموعه عواملی که در اختیار فرماندهان جنگ نبود، یعنی بخش اقتصاد دیپلماسی... و آن را ادامه دهیم. آقای هاشمی با این نگاه وارد جنگ شد و در عین تلاش کرد که مسیر راه به سمت اینکه جنگ به یکگونه می‌شود پایان داد و ببرد. به هر حال این جنگ یک جنگ نابرابر بود و هم می‌دانیم که بسیاری از سرمایه‌های مادی ما را به شدت تخریب کرد. درست است که به لحاظ معنوی ما اگر ندانم پیدا می‌کرد آن نابرابری که نظافت بین الملل در برخوردش با ما داشت این ظرفیت‌ها هم در معرض آسیب قرار می‌گرفت و جامعه روح‌های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی شدیدی برپا می‌شد. آقای هاشمی تلاش کرد که با یک تدبیر مناسب و درک عمیق از اینکه هر جنگی پایانی داشته باشد مسیر این پایان را طراحی کند که در نتیجه این تلاش‌ها نهایتاً به فتحنامه ۵۸۸ رسید. آن هم در یک مقطع زمانی که شرایط ایجاب می‌کرد این اتفاق می‌افتد. بنابراین من تأکید می‌کنم که آقای

به این روحیه بود که ایشان تا نه ارتش خیال کند آقای ایشان طرف ارتش است و آنچه در ذهنش می‌رسد به هم در اندیشه و تفکر معتدل نیستند. اما ایشان دلیل می‌توان گفت ایشان اعتدال در کشور است و بر هاشمی است. آقای هاشمی به هم دیده شوند و با هم آقای هاشمی همواره سعی می‌دورهایی از مجلس که اب مجلس سوم به هم دیدند که از خط تعادل خارج خاطرش می‌آید این موارد این بود که افراد همدیگر داد. بر این اساس ایشان رسنجه ماهرانگی ایجاد و یک جنگ هر کدام را از آن استفاده کرد. این که نادریم که به امام رسیدید طرف امام نزدیک بود ۶ طیف شما با فرماندهان آن و جهاد همه با هم اتفاق مثبت و مؤثر پیش برده‌اند خود ایشان می‌گفت که بخواد به یکسونی می‌پسندیده نیست. و مع کمک هم بیايند و همه با